

عکس: تزئینی است

روزانه باید ۴ساعت خدمات مختلف از باغبانی گرفته تا تمیزکاری و سایر خدمات را انجام دهد. محل گذراندن حکم جایگزین حبس او، یک دستگاه دولتی در کاشمر تعیین شده است. علیرضا هنوز هم شوخ‌طبع است و می‌گوید: بعضی مواقع باید لوازم مدنظر هم‌ماموران را که با آن‌ها درگیر شده بودم، در اداره جابه‌جا کنم. گاهی به‌شوخی می‌گویم زیاد دستور جابه‌جایی ندهید که از پنجره این‌ها را پرت می‌کنم. ماموری که از من کتک خورده بود، هم با خنده می‌گوید: این‌بار کاش قاضی به‌جای ۵۰۰ساعت، یک چندسالی حکم بدهد اینجا بمانی؛ چون هر روز حال کسل و ناخوش ما را با همین شوخ‌طبعی‌ات عوض می‌کنی.

او حالا روزهای پایانی حکمش را می‌گذراند. با تمام آن ماموران در دستگاه اجرایی، رفیق شده است و حتی گاهی آن‌ها را درک می‌کند که حوصله بحث با مراجعان را نداشته باشند.

علیرضا به‌عنوان یکی از متهمانی که پایش به زندان باز نشده و حکم جایگزین حبس گرفته است، حرف‌هایش را با یک جمله به پایان می‌برد؛ اینکه زندانی کردن شاید بیشتر افراد را از جامعه طرد و آتش خشونتی پنهان برای انتقام را در دل آن‌ها روشن کند اما این گونه مجازات‌ها به‌جای حبس، واقعا از هر جنبه‌ای نگاه کنیم، اثربخش‌تر است. اگر من به‌خاطر درگیری با آن ماموران ۷ماه زندان می‌رفتم، ممکن بود تا آخر عمر از آن دستگاه اجرایی و ماموارنش متنفر شوم و حتی به فکر انتقام هم بیفتم اما حالا ببینید که با یک تغییر در رای اولیه قاضی، چقدر ورق برگشته است.

**صدور احکام سبز به‌جای زندان، در پرونده‌های زیست‌محیطی**

حجم درخور توجهی از احکام جایگزین حبس دربین پرونده‌های متهمانی که حکم جایگزین حبس گرفته‌اند، به محیط‌زیست برمی‌گردد. درواقع بیشتر مخربان محیط‌زیست که در گذشته حکم زندان برای آن‌ها صادر می‌شد، حالا احکام جایگزین حبس می‌گیرند. اسم جالبی هم برای احکام جایگزین زندان برای مخربان محیط‌زیست، تعیین شده است؛ احکام مربوط به این پرونده‌ها را «احکام سبز» می‌نامند. وقتی سراغ اداره‌کل محیط‌زیست استان می‌رویم، مسئولان این اداره هم با استناد به آمارها و گزارش‌های نظارتی‌شان، از نتایج مثبت احکام سبز می‌گویند. آنچه تورج همتی، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست خراسان رضوی، در گفت‌وگو با شهرآرا بر آن تاکید می‌کند، کاهش تخلفات زیست‌محیطی به‌دنبال صدور این احکام است. به گفته وی، واحدهای حقوقی حفاظت محیط‌زیست استان برای دریافت احکام سبز از مراجع قضایی، پیگیر هستند که طی دو سال اخیر صدور این آرا افزایش داشته است، به‌طوری که بیش از ۴۱رای جایگزین حبس و آرای سبز در پرونده‌های جرایم زیست‌محیطی از سال ۹۷ به بعد داشته‌ایم.

همتی این را هم به سخنانش اضافه می‌کند که احکام سبز بیشتر شامل مجازات‌های جایگزین حبس از جمله درختکاری، آبیاری، خلاصه‌برداری کتب زیست‌محیطی، نصب تابلو در ورودی مناطق خاص محیط‌زیست، نگارش مقاله‌های زیست‌محیطی، ساخت فیلم مستند از طبیعت و حیات‌وحش، پاک‌سازی طبیعت در تفرجگاه‌ها و جمع‌آوری زباله، شرکت در کلاس‌های آموزشی محیط‌زیست، تهیه و ساخت آبشخور، تهیه علوفه، تولید محتوای آموزشی زیست‌محیطی و... است.

**تبدیل مخربان محیط‌زیست به مدافعان آن**

در بین این ۴۱مخرب محیط‌زیست که در یکی‌دو سال اخیر حکم جایگزین حبس گرفته‌اند، سراغ حامد و محسن می‌رویم که یکی از آن‌ها از منطقه حفاظت‌شده، ماهی صید کرده و دیگری ۴قوچ وحشی از همین مناطق، شکار کرده است.

حامد حرف‌هایش را با این جمله شروع می‌کند که ما مخرب محیط‌زیست بودیم اما وقتی به‌جای زندان، حکم خدمت به محیط‌زیست دادند، حالا مدافع محیط‌زیست شده‌ایم.

حامد سی‌وهفت‌ساله است و در هسته مرکزی مشهد، مغازه دارد. در یکی از تعطیلات آخر هفته برای تفریح به بیرون از شهر می‌رود. اسلحه شکاری همراهش بوده است و برای تفریح، چند قوچ وحشی را شکار می‌کند. ماموران محیط‌زیست از طریق دوربین‌های نظارت در مناطق حفاظت‌شده متوجه این شکار غیرمجاز می‌شوند و تخلف زیست‌محیطی او را گزارش می‌دهند. با توجه به مستندات موجود، قاضی در دادگاه حکم یک سال حبس را برای او صادر می‌کند و ۱۰میلیون تومان جریمه نقدی.

حامد به حکم اعتراض می‌کند و در رفت‌وبرگشت به دادگاه، با توجه به شرایط پرونده، درنهایت رای جایگزین حبس برای او صادر می‌شود. با حکم قاضی قرار می‌شود او به‌جای راهی شدن به زندان مشهد، راهی همان منطقه شکار ممنوع شود و با توجه به نیاز آن منطقه، اقدام به انجام خدمات زیست‌محیطی کند. از آنجایی که منطقه حفاظت‌شده حیدری، در مجاورت رشته کوه‌های بینالود، درزمینه آبشخور حیوانات کمبود و مشکل داشت، او باید طبق حکم صادرشده، ۴عدد آبشخور حیات‌وحش می‌ساخت.

حالا حامد نه‌تنها آن ۴آبشخور را که در حکم جایگزین حبس آمده، برای محیط‌زیست ساخته است، بلکه به قول خودش در این رفت‌وآمدها برای محیط‌زیست دغدغه‌مند هم شده است و داوطلبانه درحال ساخت چند آبشخور دیگر است.

او نه‌تنها از زندان نرفتن و نخوردن برچسب زندانی بر پیشانی و از بین نرفتن آبرو و اعتبارش در بازار خوشحال است، بلکه درخواست می‌کند احکام این‌چنینی برای سایر افرادی که مثل او ندانسته، دست به تخریب محیط‌زیست می‌زنند یا از روی ناآگاهی جرم و خطای دیگری را مرتکب می‌شوند، صادر شود.

محسن هم مثل حامد، متهم زیست‌محیطی بود که در دادگاه ابتدا حکم زندان برایش صادر کردند اما درنهایت این حکم با انجام خدمات عمومی برای محیط‌زیست، جایگزین شد.

ماجرای محسن به آنجا بازمی‌گردد که در بهار ۹۸ به همراه پدرش برای ماهیگیری راهی رودخانه گلمکان می‌شوند. مسیر این رودخانه طوری است که علاوه بر مناطق گردشگری، بخشی از آن به‌عنوان منطقه حفاظت‌شده ثبت شده است و گونه‌های درحال انقراض ماهی در آن حفاظت می‌شوند. در بالادست رودخانه، بندهای مختلف و پرورش ماهی قزل‌آلا نیز وجود دارد که محسن قصد صید ماهی قزل‌آلا را داشته نه ماهی‌های بومی و درحال انقراض رودخانه گلمکان را. با این حال حین ماهیگیری، ماموران محیط‌زیست از او تصویربرداری می‌کنند و در گزارش محیط‌زیست، او به اتهام صید یک ماهی در منطقه حفاظت‌شده، به ۴۰روز حبس محکوم می‌شود. محسن به حکم اعتراض می‌کند و رای جایگزین به ۳۰۰ساعت کار خدماتی درقالب لایروبی رودخانه گلمکان برای او صادر می‌شود.

شغل محسن بیست‌وسه‌ساله طراحی است که با همان حکم ۴۰روز زندان، فشار روانی زیادی به او وارد می‌شود. می‌گوید: زندان چه یک روز، چه ۴۰روز و چه چند سال باشد، از نظر اجتماعی اسمش زندان است. زندان چه برای صید یک ماهی و چه برای قتل و جنایت و کلاهبرداری، باز هم اسمش زندان است. وقتی تصور می‌کردم باید سوءپیشینه کیفری برای صید یک ماهی داشته باشم، دیوانه می‌شدم. خدا رحم کرد که قاضی این حکم را هرچند با بلاتکلیفی من در دادگاه رفتن‌های زیاد، اما بالاخره تغییر داد، وگرنه باید در اوج جوانی، راهی جایی می‌شدم که اثرات آن هیچ‌وقت از زندگی‌ام پاک نمی‌شد.

حالا او هر پنجشنبه و جمعه از مشهد راهی رودخانه گلمکان می‌شود و زباله‌ها را از سطح رودخانه جمع کرده، تحویل شهرداری می‌دهد. پایان‌بخش حرف محسن هم فقط یک خواهش است؛ اینکه اگر برای افراد جامعه، خیلی از کارهایی که در حقشان لازم است انجام نمی‌شود، لااقل در صدور حکم برای خطاها و اشتباهات آن‌ها، رای به بهبود شرایطشان داده شود، نه احکامی که مسیر زندگی‌شان را به جایی به نام زندان سوق دهد.

---

فرزانه شهامت
f.shahamat@shahraranews.ir

گفت‌وگوی روز

سیدامیر مرتضوی، معاون امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان‌رضوی:

# در مسیر جنبش سراسری زندان‌زدایی قرار گرفته‌ایم



حدود یک ماه پیش بود که خبری خوش، دل خیلی از آن‌هایی را که باید ماه‌ها دور از خانه و پشت دیوارهای بلند زندان می‌ماندند، به امید آزادی قرص کرد؛ اینکه از حدود ۱۸هزار زندانی استان، ۶هزار و ۶۰۰زندانی می‌توانند با بهره‌گیری از مجازات جایگزین حبس آزاد شوند. این تعداد یعنی یک‌سوم زندانیان استانمان با استفاده از این ظرفیت قانونی، امکان بازگشت به خانه را دارند. در گام نخست، در بهار امسال، ۶۲۷زندانی با رای جایگزین حبس، رهایی یافتند و حالا خیلی از خانواده‌ها چشم‌انتظارند تا عزیز در بند آن‌ها یکی از همان ۶هزار و ۶۰۰زندانی‌ای باشد که حکم جایگزین حبس می‌گیرد. دستگاه قضایی استان برای کاهش ورودی زندان‌ها و صدور احکام جایگزین چه می‌کند؟ چرا برخلاف برخی استان‌ها، خبر چندانی از احکام جالب قضات استانمان به‌عنوان مجازات جایگزین حبس، منتشر نمی‌شود؟ بقیه دستگاه‌ها برای استفاده از این ظرفیت، پای کار هستند؟ آیا قضات استان با این ظرفیت قانونی به قدر کافی آشنا هستند؟ این‌ها تعدادی از سوالاتی بود که پاسخ آن‌ها را از سیدامیر مرتضوی، معاون امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان‌رضوی، جویا شدیم.

**جناب مرتضوی، ابتدا بگویید چه شد که سیستم قضایی بحث صدور آرای جایگزین حبس را در دستورکار خود قرار داد؟**

در بیشتر کشورها جنبشی سراسری در حقوق کیفری در دهه‌های اخیر شروع شده است که مبتنی بر زندان‌زدایی است. در سیستم قضایی ما هم فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، تبیین کننده نهاد و نظامی نوین به نام «مجازات‌های جایگزین» حبس است؛ چراکه برای همه جرائم، زندان، کیفر مناسبی نیست و ممکن است جنبه اسلامی و بازدارندگی درپی نداشته باشد. ازطرفی با توجه به جایگاه انسان و حفظ کرامتش، بهتر است تا جای ممکن از مجازات حبس فقط به‌صورت حداقلی برای جرائم خاص و سنگین استفاده بشود.

**برای فرهنگ‌سازی میان قضات و استفاده حداکثری آن‌ها از ظرفیت مجازات‌های جایگزین حبس، چه اقداماتی را در دستورکار قرار داده‌اید؟**

قضات ما با تاسیسات حقوقی نوین از جمله مجازات‌های جایگزین حبس، آشنایی کامل دارند. مجرب و تحصیل کرده هستند، کار اجرایی مستمر انجام می‌دهند و تلاش‌شان را به موضوع احکام جایگزین حبس، معطوف کرده‌اند. به استناد ماده ۶۴ از فصل نهم قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های جایگزین حبس شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی، می‌شود. قضات در حد وسیعی از این ظرفیت‌ها بهره می‌برند. شاید در ذهن مردم، مجازات‌های جایگزین حبس فقط انجام خدمات عمومی رایگان باشد، درحالی که این موضوع فقط یکی از انواع مجازات‌های جایگزین حبس است. هرچند قضات از نهایت بهره‌مندی از قانون آگاه هستند، درکنار آن باید این ظرفیت‌های استفاده‌شده به اطلاع مردم برسد و اطلاع‌رسانی مطلوبی انجام بشود.

**قبلا اعلام کرده بودید که ۲۸دستگاه اجرایی به عنوان دستگاه پذیرنده در موضوع مجازات جایگزین حبس مشخص شده‌اند، اما بسیاری از این دستگاه‌ها همراهی نمی‌کنند. دلیل این همکاری نکردن چیست؟**

چیزی که در عدالت ترمیمی یا موضوع اصلاح مجرمان مدنظر است، این است که دیگران بتوانند شرایط را درست درک کنند تا شاهد تغییر رفتار بزهکاران و به‌عبارتی محکوم‌علیه باشیم. متاسفانه فردی که به هر دلیلی به زندان می‌رود، چه عمد باشد یا غیرعمد یا حتی اگر مدتی به‌دلیل ناتوانی در معرفی تامین و وثیقه، به‌عنوان متهم در زندان به سر ببرد، نگاه جامعه و حتی اطرافیانش به او تغییر می‌کند. این رفتار درست نیست. در این شرایط، پذیرش اجتماعی فرد به حداقل ممکن می‌رسد. همین مسئله او را سرخورده می‌کند و درحقیقت، فرد به نوعی تحقیر می‌شود. نگاه بعضی سازمان‌ها و ادارات همین‌طور است که گفته شد. درحالی که باید درک صحیحی از شرایط محکم‌علیه داشته باشند و بدانند که قانون‌گذار به‌صورت هدفمند، مجازات‌های جایگزین حبس را وضع کرده است و همه باید برای فراهم کردن زمینه اجرایی آن تلاش کنیم. به بیان دیگر همه ما باید در اصلاح مجرمان، نقشمان را ایفا کنیم و برای بازاجتماعی کردن آن‌ها و بازگرداندن شرافتمندانه‌شان به جامعه، اهتمام بورزیم.

**کدام دستگاه‌های اجرایی، همکاری خوبی برای اجرای مجازات جایگزین حبس می‌کنند؟**

شهرداری، محیط‌زیست و اداره منابع طبیعی در صدر همکاری با دستگاه قضایی برای اجرای مجازات‌های جایگزین حبس هستند. درواقع با لطف و رافتی که دستگاه قضا برای زندان‌زدایی از فرد می‌کند، او خود را وامدار حاکمیت و جامعه می‌داند و در تلاش است تا عملکردی مناسب از خودش ارائه بدهد. باید قدر این موقعیت را دانست. سازمان‌ها و دستگاه‌ها به این افراد اعتماد و اطمینان کنند و زمینه پذیرش و جذب آن‌ها را فراهم کنند. معمولا دستگاه‌های خدماتی، پذیرش بهتری برای این افراد دارند اما همکاری بقیه دستگاه‌ها و سازمان‌ها، چندان مطلوب نیست. امیدواریم با کمک اصحاب رسانه زمینه توجیه آن‌ها فراهم شود.

**در مورد اثربخشی آرای صادرشده به‌عنوان جایگزین حبس در استان، تحقیقی انجام شده است؟**

آنچه مسلم است، اینکه مجازات‌های جایگزین حبس تابع شرایط و اوضاع خاصی است؛ شرایطی مثل گذشت شاکی و تخفیف با ملاحظه نوع جرم و ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و... وقتی مجازات‌های جایگزین با تمام ملاحظات یادشده، تعریف می‌شود، واقعا می‌تواند اثربخش باشد. با این حال از مراکز آموزشی و دانشگاهی انتظار می‌رود درباره اثربخشی آرای صادره برای جایگزین حبس، تقاضای تحقیق کنند. بدون شک دستگاه قضایی با ملاحظاتی، همکاری لازم را خواهد کرد.

**در برش استانی سند تحول قوه قضائیه، چه افقی برای استفاده از ظرفیت مجازات‌های جایگزین حبس، وجود دارد؟**

یکی از اهداف عالیه و سیاست‌های کاربردی و راهبردی قوه قضائیه، استفاده حداکثری از این تاسیسات حقوقی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی است. هدف هم کاهش جمعیت کیفری، اصلاح‌پذیری محکوم‌علیه و بازگشت شرافتمندانه و آبرومندانه او به جامعه به اضافه کاهش آثار و تبعاتی است که مجازات حبس از نظر روانی بر زندانی، خانواده و جامعه می‌گذارد. با تمام این‌ها معتقدیم که باید مجازات‌های جایگزین حبس، اصولی و هدفمند باشد.

**نمود رسانه‌ای استان در استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس و نشر مصادیق آن، کمرنگ و نامتناسب با گستره آرای صادرشده است. برای پر شدن این خلأ چه برنامه‌ای دارید؟**

با اختیاراتی که قانون‌گذار به مقام قضایی داده است تا به‌جای مجازات اصلی زندان، مجازات‌های دیگر از جمله مجازات جایگزین را در دستورکار قرار دهد، انتظار این است که ابتدا اصحاب رسانه کلیات مجازات‌های جایگزین حبس را برای شهروندان و حتی مسئولان، توضیح بدهند. بعد با یک رویکرد درست درباره این ظرفیت حقوقی، می‌شود اطلاع‌رسانی مناسب و بهنگام را در دستورکار قرار داد، طوری که هم به نفع محکوم‌علیه باشد و هم به نفع خانواده او و هم به صلاح جامعه. کارگروه رسانه و مطبوعات، کارهای لازم را پیگیری خواهد کرد. به اداره پیشگیری‌های اجتماعی فرهنگی و رابط رسانه‌ای این معاونت هم تاکید می‌کنیم که برنامه‌های کاربردی‌تری را در دستورکار قرار بدهند.

سیدامیر مرتضوی، معاون امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان رضوی:
**متاسفانه فردی که به هر دلیلی به زندان می‌رود، چه عمد باشد یا غیرعمد یا حتی اگر مدتی به‌دلیل ناتوانی در معرفی تامین و وثیقه، به‌عنوان متهم در زندان به سر ببرد، نگاه جامعه و حتی اطرافیانش به او تغییر می‌کند. این رفتار درست نیست. درحالی‌که باید درک صحیحی از شرایط محکم‌علیه داشته باشند و بدانند که قانون‌گذار به‌صورت هدفمند، مجازات‌های جایگزین حبس را وضع کرده است و همه باید برای فراهم کردن زمینه اجرایی آن تلاش کنیم.**

---

زیر خاکی

## سروصدای بین سواران تیموری و قرائی



سیدمهدی سیدقطبی
کارشناس مطبوعات

دریافت مژدگانی. کلات. حبیب‌نام داماد مهراب چند روزی از مشهد در کلات آمده شهرت می‌دهد که حکومت کلات با فتح‌الملک شده و از مردم مژدگانی می‌گیرد. ورود قرائی. خواف. دیروز صد نفر سوار قرائی به اتفاق یاور و سلطان از رشتخوار وارد خواف شده. امروز هم قریب پنجاه نفر سوار به سرکردگی فیض‌محمد گنجه وارد شده. عجالتاً سروصدایی مابین این‌ها و سوار تیموری نیست.

**شماره ۱۲۰/ ۱۴رمضان ۱۳۳۴**

**تمام اخبار از سال ۲ روزنامه عصر جدید**

---

سرمقاله

## ریل‌گذاری یا نرخ‌گذاری در اقتصاد؟



رضا کربلایی
کارشناس مسائل اقتصادی

به اتفاقات ۱۰روز اخیر در حوزه اقتصاد ایران نگاه کنید تا متوجه شوید چرا یک معمای حل‌شده در بازارهای کشورهای دیگر همچنان در کشور ما به معمای پیچیده تبدیل شده و سطوح مختلف حاکمیتی را درگیر کرده است؛ چالش پراید صدمیلیونی، معمای قیمت تخم‌مرغ و کره، راز نوسان شدید بازار سهام و راه نجات آن، بیانگر خروج بازارها از تعادل در نتیجه سیاست‌های مداخله‌جویانه دولت‌هاست و این چالش‌ها پدیده‌های تکرارشونده دست‌کم پس از جنگ تحمیلی در اقتصاد ایران هستند و هرازگاهی یک بازار کالایی دچار نوسان قیمت‌ها و شکاف بین عرضه و تقاضا می‌شود. هم بازار خودرو، هم بازار کالاهای اساسی نظیر تخم‌مرغ و کره، هم بازار سهام و مسکن در روزهای اخیر شاهد نوسان شدید قیمت‌ها بوده و منطق دولت‌ها و سیاست‌گذاران برای مدیریت بازار هم تکراری و بدون نتیجه مطلوب و پایدار است. کافی است از خود بپرسیم که آیا با آغاز دور جدید قرعه‌کشی‌ها و ثبت‌نام‌های فوق‌العاده، آرامش به بازار خودرو برمی‌گردد؟ آیا با عرضه دولتی تخم‌مرغ یا سهمیه‌بندی کره، معاش مردم از خطر در امان خواهد بود؟ آیا رشددادن شاخص بورس با دوپینگ منابع مالی بانک‌ها و صندوق توسعه‌ملی با هر کیفیتی می‌تواند یکی از به‌اصطلاح شفاف‌ترین بازارهای ایران یعنی بازار سهام را از خطر ریزش اعتماد و سرمایه‌های مردم مصون نگه داشت؟ آنچه این روزها در اقتصاد و بازار مشاهده می‌شود، بارها تکرار شده است و بازهم تکرار خواهد شد؛ تا زمانی که تفکر تصمیم‌سازان و مسئولان بر «نرخ‌گذاری» به‌جای «ریل‌گذاری» باشد، تردیدی نباید کرد که در بر همان پاشنه می‌چرخد؛ مادامی که دولت‌ها و تصمیم‌سازان در سطوح مختلف قدرت و حاکمیت خود را در نقش بازیگر، داور و مسئول برگزاری مسابقات اقتصادی و رئیس سازمان رقابت و انحصار در اقتصاد ایران بدانند؛ هرچند یک بار، نام یک بازار به‌عنوان برنده بازارها اعلام می‌شود و بازده آن بازار به‌عنوان قدرت و ظرفیت سرمایه‌گذاری جدید معرفی می‌شود، اما نتیجه واقعی از قبل روشن است؛ تضعیف اقتصاد ملی به‌دلیل تفکرات نرخ‌گذاری در اقتصاد به‌جای ریل‌گذاری. از هم‌اکنون روشن است که نه بخت‌آزمایی و پیش‌فروش، بازار خودرو را به‌ثبات می‌رساند و همچنان در جهانی که خریدار خودرو دست برتر را دارد، در ایران خریدار به‌دنبال خودرو خواهد دوید و فروشنده هم در چاه بدهی‌ها و زیان‌ها فروتر خواهد رفت؛ نه بازار کالاهای اساسی با رانت دلار دولتی از نوسان قیمت‌ها و کمبود عرضه در امان خواهد بود و نه دستوری‌شدن حمایت‌ها از بازار سهام، برای این بازار پایدار خواهد بود. رنجی که اقتصاد ایران می‌بینند، هدردادن منابع مالی و مادی در نتیجه تفکرات اشتباهی است که همچنان می‌خواهد نقش سوپرمن‌بودن دولت در اقتصاد را اثبات کند تا جایی که دولت حالا شده بیمه‌کننده ریسک بازار سهام! انتخاب تفکر نرخ‌گذاری به‌جای ریل‌گذاری البته بر رفتار اقتصادی مردم هم اثر گذاشته است و همه دنبال کنترل قیمت‌ها و تنظیم بازارها هستند و شگفت این است که وقتی در یک بازار نظیر بازار سهام، روند شاخص وارد یک فاز اصلاح شدید می‌شود، این بار هم همان مردم خواستار حمایت از بازار برای رشد قیمت سهامشان می‌شوند؛ تا جایی که یک مقام ارشد دولتی به‌اصطلاح روی به کف‌سازی برای شاخص بورس می‌آورد و از آن به‌عنوان کف حمایتی بازار نام می‌برد! هم مردم و هم تصمیم‌سازان درون قدرت ضرورت دارد که به بازی بازنده‌بازنده و تکرارشونده دخالت دولت‌ها در اقتصاد پایان دهند و همه بپذیریم وقتی سطح دخالت ارکان قدرت به نرخ‌گذاری تقلیل پیدا می‌کند، به‌طور فزاینده‌ای ریل‌گذاری هم به‌صورت انحرافی در راستای دفاع از تفکر نرخ‌گذاری صورت می‌پذیرد و این شائبه در سطح افکار عمومی مطرح می‌شود که مشکلات اقتصادی ایران حل‌ناشدنی است! اقتصاد ایران را می‌توان با کمترین هزینه از بحران‌های جدی‌تر و عوارض خطای تصمیم‌گیری‌ها نجات داد، اما نه با شعار «من بلدم» بلکه با برنامه «نجات اقتصاد ایران از دست نرخ‌گذاران». تا حالا اثبات‌شده که نرخ‌گذاران در اقتصاد دنبال کاسبی خودشان هستند تا نفع مردم. این کاسبی می‌تواند در دوران شدت تحریم‌ها به یک‌شکل بروز کند، به‌هنگام انتخابات به‌شیوه‌ای دیگر و به‌هنگام تورم به‌رنگی دیگر. تندترشدن سیر تحولات بازارها دیگر چون گذشته اجازه تأخیر در تصمیم‌گیری را نمی‌دهد. نفع مردم در انتخاب روش درست برای مدیریت اقتصاد کشور به‌گونه‌ای است که نیاز به دخالت دولت و مجلس برای کنترل قیمت‌ها نباشد. مدیریت بازارها منطق خاص خود را دارد و به‌معنای کنترل قیمت‌ها نیست. قبول ندارید؟ صبر کنید؛ چند هفته دیگر بازار دیگری دچار نوسان می‌شود و فرمان‌های اقتصادی کنترل بازارها تکرار خواهد شد!

---

به روایت منشور

منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی شهر مشهد(۵۸)

فصل هفتم: حق بر فرهنگ

۴-۷- منابع فرهنگی

۱۰۱ مدیریت شهری موظف است زمینه‌های لازم برای آفرینش‌های فکری، ادبی و هنری و نیز چارچوب‌های حمایتی مناسب را برای حفظ و صیانت از آن‌ها برای تمامی شهرنشینان مهیا نماید.

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی شهر مشهد کد روبه‌رو را اسکن کنید